پایان «اختیاری» یک مناقشه میان پلیس و سردفتردارن

دعوا بر سر «اختیاری» یا «اجباری» بودن ثبت سند خودرو در دفاتر رسمی در نهایت با رأی قانون به اختیاری بودن این موضوع به پایان رسید تا یکی از طولانی‌ترین اختلاف‌نظرهای میان پلیس و کانون سردفتردارن به نفع ناجا تمام شود. به گزارش ایسنا، ماه‌هاست که هر از چندگاهی بحث بر سر اختیاری یا اختیاری نبودن ثبت سند خودرو در دفاتر ثبت اسناد بالا می‌گیرد، ناجا مدعی است که سند صادر شده از سوی پلیس سند کافی و الزامی است و اگر فردی سند خودرویش را در دفاتر اسناد رسمی به ثبت برساند، کاری اختیاری انجام داده است، در طرف مقابل اما کانون سردفتردارن نظر دیگری دارد و از اجباری بودن ثبت سند خودرو صحبت به میان می‌آورد. موضوعی که البته شب گذشته با اعلام نظر نهایی مجلس شورای اسلامی به نفع پلیس به پایان رسید.

سخن روز

چند سؤال از شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان

اکبر اعلمی – فعال سیاسی اصلاح طلب

ایکاش اعضای محترم شورای سیاستگذاری اصلاح طلبان در چند جمله کوتاه به مردم اعلام می‌کردند که این شورای انتصابی و خودکامه، بجز دارا بودن رابطه مرید و مرادی با برخی مشاهیر و برخورداری از حیات سیاسی جلبکی و استفاده از رانت شهرت سید محمد خاتمی و نیز سیاستگذاری برای حذف رقبای سیاسی و جایگزین شدن خود و رفقایشان. از اعضای این شورا درخواست می‌شود که به سوال‌های ذیل پاسخ دهند.

۱–وزن اجتماعی هریک از آن‌ها به تنهایی چیست و کدام کارنامه اصلاح طلبانه را دارا هستند؟

۲–در انتصاب آن‌ها کدام ویژگی و شایستگی مدنظر واقع شده که به آن‌ها صلاحیت تعیین تکلیف برای صدها هزار اصلاح طلب کشور را می‌دهد؟

۳–تفاوت عملکرد این شورا با سایر مراکز انحصارطلبان، خودکامگان، اقتدارگرایان و تمامیت‌خواهان چیست؟

۴–این شورا با رعایت کدام فرایند دموکراتیک و اصلاح طلبانه بوجود آمده است؟

۵–قرار است چه چیزی را اصلاح کنند و سازوکار ارزیابی عملکردشان چیست و مردم چگونه از آن‌ها حساب کشی خواهند کرد؟

۶–آیا در این دوره هم مانند سال‌های ۸۴–۷۶، بجای متمرکز شدن روی برنامه‌های اصلاح طلبانه و نهادینه کردن آن‌ها و نقد و نقادی و حسابکشی از عملکرد دولت، مجلس، نهادهای انتصابی و شوراهای شهر و روستا، با موج سازی‌های رسانه‌ای و مظلوم نمایی، هوچیگری، بازی با احساسات جوانان از طریق بزرگنمایی نقاط ضعف و بلاهت برخی افراد تندرو و افراطی در جناح رقیب و قربان صدقه رفتن برای برخی شخصیت‌ها بویژه رئیس جمهور و بت سازی از آن‌ها و ایجاد حاشیه امن برای فرار از پاسخگویی و عمل به وعده‌ها و تعهداتشان و عاقبت طرح این ادعا که رییس جمهور یک تدارکاتچی بیش نیست، جزیی از راهبرد اصلاحات و اصلاح طلبان خواهد بود؟

به عبارت دیگر آیا در چهار سال آینده باز قرار است از رئیس جمهور یک موجود ضعیف و توسری خوری ساخته شود که وظیفه و مسئولیت او در دفاع از قانون اساسی و حقوق ملت، جای خود را به دفاع مردم از رئیس جمهور و تیمارداری از او دهد و سرانجام نیز ادعا شود که نگذاشتند طفلک کار کند؟

۷–دوران حیات سیاسی جلبکی مبتنی بر هوچیگری و بازی با احساسات مردم با طرح شعارهای فریبنده، کی بپایان خود خواهد رسید و مردم کی شاهد فعالیت‌های حزبی شفاف و صادقانه همراه با ارائه برنامه و کارنامه خواهند بود؟

ایکاش این شورای سیاستگذاری بجای متمرکز شدن محض بر روی تبلیغ و ترویج افراد قبیله خود و به قدرت رساندن آن‌ها، دستکم برای یکبار هم که شده تدابیر و سیاست‌های اصلاح طلبانه‌ای را در پیش می‌گرفت و مثلا با استفاده از ظرفیت‌های خود، رسانه‌های مدعی اصلاح طلبی را تشویق می‌کرد تا بجای بزرگنمایی مداحان و پاچه خواران و انتشار مطالب روزمره و تکراری مستمر ثناگویان، به انتشار نوشته‌های انتقادی و تجلیل از منتقدین اصلاح طلب و ترویج و نهادینه کردن نقد و نقدپذیری اهتمام می‌ورزیدند و از تنگ نظری و بایکوت آن‌ها خودداری می‌کردند که البته این یک آرزوی واهی است!

یادداشت میهمان

همه چیز از ساختمان خیابان بهشت شروع شد..

مهدی غفاری – روزنامه نگار

نزدیک به دو دهه پیش که اصلاح طلبان سرمست از شعف پیروزی سید محمد خاتمی در دوم خرداد و سپس فتح سنگربه سنگر نهادهای انتخابی سرازپا نمی‌شناختند شاید باور اینکه از دست دادن مدیریت شهرداری تهران آغازی باشد بر پایان این شادکامی‌ها و از دست دادن همه چیز، دشوار به نظر می‌رسید. اما این واقعیتی بود که اتفاق افتاد. اداره شهرداری پایتخت البته همواره حساسیت‌هایی را با خود به همراه داشته و به‌همین دلیل مدیران مطرح و شناخته‌شده‌ای از میان سیاست پیشگان را بر راس هرم مدیریتی خود دیده است. از سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی تا به امروز مردان نام آشنایی همچون مرحوم زواره‌ای، نبی حبیبی، غلامحسین کرباسچی، ملک مدنی ، الویری ، احمدی نژاد و قالیباف والبته چند تن دیگر کلیددار ساختمان بهشت بوده اند. در واقع عصر تهران جدید بعد از پایان جنگ و با حضور کرباسچی در شهرداری تهران آغاز شد. آغاز عملیات مختلف از اتوبان گرفته تا پل‌ها و پارک‌ها و ساختن تصویری جدید از سیمای پایتخت در این دوران اتفاق افتاد. یکی از اتفاقات مهم دیگر که نقش شهردار را در این دوران فراتر از اسلاف وی می‌نمایاند حضور شهردار در جلسات هیات دولت بود که برای نخستین بار اتفاق می‌افتاد. با حضور سید محمد خاتمی به عنوان رییس جمهور اما گویا بخت از کرباسچی روی برگرداند و نه تنها کلید بهشت را از دست داد بلکه در یکی از جنجالی‌ترین دادرسی‌های علنی تاریخ ایران محاکمه و راهی زندان شد. پس از این اما با انتخابات شوراها نصب شهردار از دولت به این نهاد انتخابی رسید. در واقع حاشیه‌های بی اندازه شهرداری تهران هم از این به بعد بیشتر شد و صحن شورا به صحنه علنی اختلافات اصلاح طلبان و درگیریهای آن‌ها تبدیل گردید در آن سالها شاید هفته‌ای نبود که تلویزیون سخنی در اعتراض به اصلاح طلبان و شهردار به‌خصوص از ابراهیم اصغرزاده یکی از پرحرارت‌ترین اصلاح طلبان پخش نکند.

در پی رفتار فرسایشی شورایان و نارضایتی از شهرداری مردم پایتخت اعتماد خود به شورا و شهرداری را عملا از دست دادند و در انتخابات دور دوم شوراها میزان مشارکت به کمترین حد رسید و شورا و شهرداری از کف اصلاح طلبان خارج شد.

محمود احمدی نژاد با شعار آبادگری وارد ساختمان بهشت شده و با رفتارهای ساده خود و حضور گاه و بیگاه در میان شهروندان محلات مختلف دل طیف‌های کثیری از مردم ربود و شد آنچه شد...

هشت سال بعد از حضور احمدی نژاد در نهاد ریاست جمهوری و بعد از انتخاب دکتر حسن روحانی به عنوان رییس جمهور نیز رابطه دولت و شهرداری به گونه‌ای بود که انگار دو دولت متخاصم روی در روی هم ایستاده اند....

شهرداری تهران اما نه تنها بودجه بسیار سنگین و گردش مالی بسیار بالایی دارد که گاه آن را با هشت وزارتخانه برابر می‌دانند بلکه میراث بزرگ کرباسچی در بلدیه پایتخت یعنی موسسه عظیم همشهری که امروز به یک امپراطوری رسانه‌ای تبدیل شده فرصت بسیار ارزشمندی فراروی هر گروه از بخش‌های حاکمیت که کنترل آن را در دست می‌گیرند قرار خواهد داد.

رفتار منتخبین شورای پنجم متاسفانه در همین فرصت کمی که از انتخابات سپری شده و علیرغم اینکه هنوز شورا شروع به کار رسمی نکرده حاشیه‌های زیادی دارد .

شاید پس از انتخاب و معرفی شهردار جدید این حاشیه‌ها فروکش کرده و یا حداقل کاهش یابد اما این‌بار دیگر منتخبین مردم در شورا و شهردار آینده باید بدانند راه رفته‌ای که یکبار تمام اصلاحات را به شکست کشانده نباید تکرار شود.

مردم انتظار کار و کار و کار دارند .

رفع کاستی‌ها و تبعیض‌ها و عمل به هرآنچه وعده داده شده باید سرلوحه کار شورایان باشد ولی افسوس که شنیده‌ها خبر از سهم‌خواهی‌ها و تقسیم غنائم دارد– که البته کاش راست نباشد– دوستان یقین بدانند اگر ناکارآمدی شورا و شهرداری و البته هر نهاد انتخابی دیگری چه مجلس و چه قوه مجریه مردم را از اصلاح طلبان ناخرسند، نا امید و رویگردان کند اینبار دیگر نه از تاک، نشان خواهد ماند و نه از تاک نشان.

خبر

عباس عبدی:

قرارداد توتال مصداق عملی اقتصاد مقاومتی است

«عباس عبدی» روزنامه نگار و تحلیل‌گر مسائل سیاسی و اقتصادی با رد برخی انتقادها به قرارداد شرکت ملی نفت ایران با شرکت توتال فرانسه گفت: این قرارداد برای مسئولان کشور، اقدامی پنهانی نبوده است و علاوه بر آن،نهادهای مختلف نظارتی کشور چنین قراردادهایی را کنترل می‌کنند.

به گزارش جماران، دوازدهم تیرماه نخستین قرارداد جدید نفتی در پساتحریم بین شرکت ملی نفت ایران و کنسرسیوم بین المللی به رهبری شرکت نفتی توتال فرانسه برای توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی به ارزش ۴ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار امضا شد. منتقدان دولت که همواره دستاوردهای مهم و موفقیت‌های دولت یازدهم را در حوزه‌های مختلف به ویژه اقتصاد زیرسوال می‌برند ، این بار به امضای این قرارداد هجمه آورده اند.

کارشناسان اقتصادی معتقدند، این قرارداد با ایجاد بیش از ۱۰۰ هزار فرصت شغلی ، انتقال تکنولوژی‌های جدید و ایجاد درآمد ارزی بالا برای کشور ، مصداق عملی اقتصاد مقاومتی است .

عبدی درباره برخی اظهارنظرهای انتقادی از سوی شماری از افراد و گروه‌های سیاسی درباره این قرارداد ، افزود: اگر چنین قراردادی با چنین محتوایی که برخی افراد ادعا می‌کنند، اجرا شود همه نهادهای نظارتی مسئول خواهند بود که اجازه داده اند چنین اتفاقی رخ دهد.

وی تأکید کرد، جمهوری اسلامی ایران دارای یک ساختار حقوقی است و نهادهایی همچون مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و ... دارد.

عبدی قرارداد با شرکت توتال را یک قرارداد پنهانی ندانست و افزود: تعداد قابل توجهی از مسئولان از مفاد این قرارداد مطلع هستند و هر زمان که بخواهند می‌توانند متن قرارداد را دریافت و مطالعه کنند.

محسن هاشمی منتخب شورای پنجم تهران :

در انتخاب شهردار آینده تابع نظر اکثریت هستم

محسن هاشمی طی گفتگویی؛ به سوالاتی در باب شهردار آینده تهران، چالش‌های شورای پنجم و عملکرد ۱۲ ساله قالیباف در حوزه حمل و نقل عمومی پاسخ داد.

محسن هاشمی با بالاترین رای در تاریخ ۱۰ ساله شورای شهر تهران یعنی یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر وارد شورای پنجم شد. او ۱۳ سال رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت متروی تهران بود و متروی تهران در زمان مدیریت او به بهره‌برداری رسید. همین تجربه، باعث شده که او اکنون به عنوان یکی از گزینه‌های اصلی شهرداری تهران مطرح باشد.

در ادامه گفتگوی محسن هاشمی با خبرگزاری ایلنا را می‌خوانید.

آیا شما تمایلی برای شهردار شدن دارید؟ یا ترجیح می‌دهید، در شورای پنجم بمانید؟

تمایل بنده احترام به نظر اکثریت شوراست و اعضای شورا هر تصمیمی بگیرند، در عمل تابع آن خواهم بود.

به عنوان یکی از اعضای شورای پنجم، به نظرتان برای انتخاب شهردار تهران چه فرآیندی باید طی شود. نظرتان در مورد فرآیندی که در حال حاضر برای انتخاب شهردار توسط شورای پنجم به تصویب رسیده چیست؟

این فرآیند گامی رو به جلو محسوب نمی‌شود با این حال از این جهت که مصوب اکثریت اعضای شورای منتخب است، ما به آن احترام گذاشته و در چارچوب آن حرکت می‌کنیم. با این حال از نظر من شورا باید برنامه‌محور باشد نه شخص محور، یعنی شهردار را براساس ویژگی‌ها و الزامات برنامه‌های مورد نظر خودش انتخاب کند. در غیر این صورت اینکه ابتدا به شخص رسیده و خود شخص براساس توانمندی‌هایش برنامه را تدوین کند، در عمل فروکاستن از قدرت سیاستگذاری شورا است. برای مثال اگر در برنامه شورا اولویت اول حل معضل آلودگی هوا و ترافیک باشد، شهردار آینده باید در این زمینه‌ها توانمندی داشته باشد، اما وقتی شهردار بدون تعیین اولویت و برنامه توسط شورا انتخاب شود، طبیعی است که شخص منتخب براساس توانمندی‌های خودش برنامه‌ریزی می‌کند و شورا در مقام سیاستگذاری نمی‌تواند برنامه و اولویت‌های توسعه شهر را مشخص کند.

یکدست بودن شورا منتقدان خاص خود را دارد، نظر شما درباره یکدست بودن شورا چیست؟

یکدست بودن شورا مزایا و معایبی دارد، مهمترین امتیاز یکدست بودن شورا پیام سیاسی آن است که در این دوره از انتخابات به خوبی شنیده شد، اما اینکه در عمل وجود یک یا دو عضو منتقد چه تاثیری در عملکرد شورا دارد، جای تامل دارد. باید پرسید این یکدست شدن موجب انسجام و کارایی بیشتر اکثریت می‌شود یا اینکه به منتقدین فرصت انتقاد و بزرگنمایی معضلات شورا و شهرداری را می‌دهد. البته به صورت کلی می‌توان گفت، هیچ زمان از وجود منتقد در درون سیستم ضرر نکرده‌ایم، چرا که منتقد با زیرسوال بردن تصمیمات اکثریت موجب افزایش عمق کارشناسی و دقت آن‌ها می‌شود.

شورای پنجمی‌ها ویژگی‌های شهردار آینده را نیز لیست کردند، لیستی که به شاخص‌های عمومی شهردار اشاره دارد و شاید نکته ویژه‌ای که دارد، این است که شهردار آینده تهران باید در سطوحی کلانی همچون وزیر و معاون وزیر تجربه داشته باشد. نظر شما درباره شاخص‌های شهردار آینده تهران چیست؟

از نظرم علاوه بر شاخص‌هایی که برای شهردار آینده توسط شورای پنجم تصویب شد، فردی که این سمت را برعهده می‌گیرد، باید از معضلات تهران هم شناخت کافی داشته باشد. به طور کلی علاوه بر شاخص‌های عمومی لازم برای یک مدیرکلان در نظام، شهردار نیاز به شاخص‌های تخصصی و ویژه‌ای برای مدیریت شهری کلانشهر تهران دارد. شناخت کافی از معضلات تهران، تجربه فعالیت در سیستم مدیریت شهری، امکان تعامل با سایر دستگاه و نهادهای دولتی وحاکمیتی در شهر تهران جزئی از این ویژگی‌ها هستند.

در این شرایط، چالش‌های اساسی پیش روی شهردار آینده تهران را چه می‌دانید؟

چالش اول شهردار آینده تهران، مشکلات و تعهدات سررسیده مالی شهرداری است که باید به سرعت تنظیم، استمهال و تامین اعتبار شود. چالش دیگر تهران معضل ترافیک و لزوم تقویت حمل و نقل عمومی است. مشکلی که در فصل پاییز دوباره به اوج خود خواهد رسید و آلودگی هوا تشدید خواهد شد. چالش سوم شهردار آینده تهران هم مشکلات موجود در عرصه اجتماعی و فرهنگی است، درحقیقت صدای مطالبات عمومی و مردمی در انتخابات شنیده شد و اکنون زمان آن رسیده که به آن‌ها پاسخ داده شود.

شما در شورای پنجم عضوی از کمیسیون موقت حمل ونقل و ترافیک هستید و مقرر شد تا پیش از شروع رسمی کار شورای پنجم هر کمیسیون گزارشی از شرایط حوزه خود ارائه دهد، گزارش کمیسیون شما در چه مرحله‌ای است؟

کمیسیون حمل ونقل شورای پنجم، خوشبختانه فعال‌ترین کمیسیون این شورا بوده و طی فرصت محدودی که در اختیار داشت، توانست ۱۲ جلسه برگزار کند و با استفاده از کارشناسان و توانمندی اعضای کمیسیون، برنامه‌ای در ۱۱۰۰ صفحه آماده کرده تا به شورا ارائه کند. مساله مهمی که در این برنامه بخوبی مشهود است اهمیت بحث حمل ونقل عمومی انبوه‌بر است که باید بتواند روزانه بیش از ۱۰ میلیون سفر شهروندان را پوشش دهد. متاسفانه، هم اکنون حمل ونقل عمومی انبوه‌بر فقط ۲ و نیم میلیون سفر را انجام می‌دهد و این عدد در ۵ سال گذشته رشد چشمگیری نیافته است. با توجه به شرایط موجود باید در ۴ سال آینده یک برنامه فشرده تهیه شود تا میزان حمل ونقل عمومی انبوه‌بر با تامین امکانات، تجهیزات و زیرساخت‌های مورد نیاز دو برابر شود.

با توجه به اینکه ۱۳ سال ریاست هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت متروی تهران را برعهده داشتید، عملکرد قالیباف در حوزه مترو را چه طور ارزیابی می‌کنید؟

توسعه متروی تهران در چندسال اخیر در بخش حفر تونل، به خاطر دستگاه‌های حفاری و سازنده تونل پیشرفته‌ای که در دهه قبل خریداری شده بود، پیشرفت خوبی داشت، اما باید توجه کرد که حفر تونل تنها بخشی از عملیات احداث مترو است و فعالیت‌های فراوان دیگری از جمله تامین تجهیزات ثابت و متحرک، نیرو رسانی، تامین واگن و کشنده، احداث ایستگاه و هواکش‌ها، احداث پایانه‌ها و اتصال آن به خطوط هم برای راه‌اندازی مترو ضروری است. اگر خطوط مترو بدون این بخش‌ها احداث و افتتاح گردد، عمدتا کارکردی نمایشی و تبلیغاتی داشته و نمی‌تواند ظرفیت جابجایی مسافر را ارتقا جدی ببخشد، متاسفانه تا به حال علیرغم آنکه از نظر طولی مقادیر زیادی افتتاح شده‌است، خطوط تکمیل نیست.

در حال حاضر میزان جابجایی مسافر در متروی تهران کمتر از دو ونیم میلیون سفر در روز است و این رقم پنج سال قبل هم در همین حدود بود، در حالی که در طرح جامع حمل ونقل تهران، ظرفیت مترو باید به ده میلیون سفر در روز یعنی ۴ برابر وضع فعلی برسد تا مشکلات مربوط به ترافیک و آلودگی هوا قابل تحمل گردد.

شهردار تهران ادعا می‌کند؛ بزرگترین چالش حمل و نقل عمومی تهران عدم پرداخت تعهدات مالی دولت در این عرصه است، نظر شما در این مورد چیست؟

در دولت‌های اخیر همواره شهرداران این موضوع را طرح کرده‌اند، البته تا حدودی درست است و دولت‌ها می‌توانستند به مترو منابع بیشتری تخصیص بدهند، بخصوص دولت نهم و دهم که بدلیل بالا بودن قیمت نفت منابع ارزی فراوانی در اختیار داشت، اما سوال اینجاست، فرض کنیم تامین ارز مورد نیاز مترو اولویت دولت‌ها نبود، آیا مترو اولویت نخست شهرداری تهران بوده است؟ اگر میزان منابع مالی که مثلا به پروژه اتوبان صدر تخصیص داده شده را با کل اعتبارات مترو در طول دهه گذشته مقایسه کنیم، مشخص می‌شود، مترو چقدر در اولویت شهرداری قرار داشته است!

علی اصغر احمدی معاون سیاسی وزیر کشور:

اگر معنی آتش‌بس جلوگیری از تندروی و بی‌ادبی باشد اقدام خوبی است

معاون سیاسی وزارت کشور گفت: تضارب آرا و افکار لازمه جامعه است اما هرگونه اقدامی که بخواهد به امنیت ملی، وحدت و یکپارچگی آسیب برساند، قابل قبول نیست.

به گزارش ایلنا، علی اصغر احمدی درباره رفتار برخی از گروه‌ها و جریان‌های سیاسی در طی هفته‌های اخیر گفت: هر اقدامی که بخواهد به امنیت ملی، وحدت و یکپارچگی آسیب برساند قابل قبول نیست.

معاون سیاسی وزارت کشور با اشاره به آتش بس سیاسی که این روزها مطرح شده است و بعد هم باز پس گرفته می شود عنوان کرد: منظور از آتش بس را نمی‌فهمم؛ مگر آتشی روشن شده است که آتش‌بس را بیان می‌کنند.

احمدی تاکید کرد: بیان نقطه نظرات، تضارب آرا و افکار لازمه جامعه ما است اما بداخلاقی، بی‌ادبی و تخریب صحیح نیست.

او در ادامه بیان کرد: بر کسی پوشیده نیست که نقد برنامه و عملکرد به نفع همه است و اگر این اتفاق بیفتد قطعا می‌توان بهتر گام برداشت.

احمدی در ادامه با بیان این که مطرح کردن برخی از نقطه نظرات می‌تواند جلوی بسیاری از رفتارها را بگیرد، عنوان کرد: مثلا حواشی که اخیرا برای رییس‌جمهور اتفاق افتاده است یک بداخلاقی است و اگر معنی آتش‌بس جلوگیری از این گونه حرکات تند است، اقدام خوبی است.

میرزایی نیکو تشریح کرد:

کمیسیون ماده ۱۰ احزاب ۷ نفره می‌شود

قاسم میرزایی نیکو در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری خانه ملت، در خصوص کمیسیون ماده ۱۰ احزاب، اظهار داشت: اینجانب به همراه خانم مافی از مجلس به همراه ۲ نفر دیگر از قوه قضائیه و دادستانی و یک نفر از وزارت کشور، اعضای ۵ نفره فعلی کمیسیون ماده ۱۰ احزاب هستیم.

عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور با بیان اینکه بر اساس قانون جدید، ۲ عضو دیگر نیز باید به کمیسیون ۵ نفره فعلی اضافه شوند، بیان کرد: این ۲ عضو از بین دبیران کل احزاب ملی و استانی انتخاب می‌شوند. وی افزود: انتخاباتی بین دبیران کل احزاب استانی و ملی برگزار می‌شود و یک از بین دبیران کل احزاب ملی و یک نفر از دبیران کل احزاب استانی به کمسیون ماده ۱۰ احزاب اضافه می‌شود با افزوده شدن این ۲ عضو جدید، اعضای کمیسیون ماده ۱۰ احزاب به ۷ نفر می‌رسد و تغییراتی در روند این کمیسیون ایجاد می‌شود که می‌تواند به بررسی بهتر موضوعات کمک کند.

عضو کمیسیون ماده ۱۰ احزاب گفت: هفته آینده نیمه مرداد ماه، انتخاباتی برای افزایش ۲ عضو دیگر به اعضای فعلی کمیسیون ماده ۱۰ احزاب برگزار می‌شود.

یحیی آل اسحاق:

اگر همه قبول کنند که آرمان‌ها و منافع ملی ما در هم تنیده است، دیگر مشکل سیاسی نداریم

عضو هیأت مؤسس جمنا با تأکید بر اینکه باید منافع ملی و منافع آرمانی یکسان دیده شود، تصریح کرد: اگر همه باور کنند که آرمان‌ها و منافع ملی ما همگن هستند، دیگر مشکل سیاسی نداریم.

به گزارش جماران یحیی آل اسحاق مهمترین اولویت دولت دوازدهم را اقتصاد دانست و تصریح کرد: اولویت دولت دوازدهم ساماندهی نظام مدیریتی به سمت نیروهایی است که تسلط به مسائل اقتصادی روز و تجربه کافی داشته باشند و دور از مسائل سیاسی مسائل اقتصادی را سامان دهند.

عضو هیأت مؤسس جمنا گفت: انتخابات هرچه بود تمام شد و بحمدالله با مشارکت ۷۴ درصدی رئیس جمهوری با رأی بسیار بالا انتخاب شده و مسیر استقرار دولت جدید در حال طی شدن است. با توجه به مشکلات حوزه اقتصاد، امیدوار هستیم که قدم‌های بعدی با استفاده از همه سرمایه‌های اجتماعی و ظرفیت‌های اجتماعی کشور برداشته شود. چون جز با همدلی، همراهی و هم جهتی در حوزه اقتصاد، مسائل اقتصاد حل نمی‌شود.

وی ادامه داد: این یک کار طرفینی است و هم دولت محترم باید به واقع دستش را دراز کند و برای حضور همه فرصت و میدان دهد و هم همه دست اندرکاران باید کمک کنند که به خصوص مسائل اقتصادی حل شود. حل مسائل اقتصادی بدون حضور همه ظرفیت‌های اجتماعی ممکن نیست.

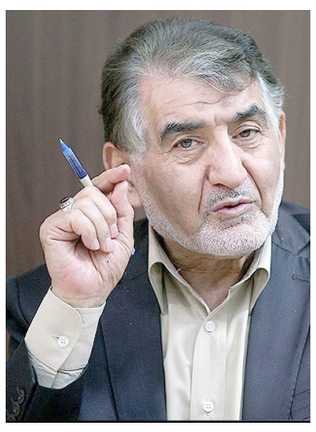

آل اسحاق در پاسخ به سؤالی در مورد آتش بس در حوزه مسائل سیاسی گفت: در چارچوب هدایت‌های مقام معظم رهبری عیب ندارد سلایق مختلف باشند؛ ولی باید چارچوب حفظ شود. در حفظ چارچوب باید تعریف منافع ملی و منافع آرمانی یکسان دیده شود. اگر همه این را باور کنند که آرمان‌ها و اهداف ملی ما همگن هستند، دیگر مشکل سیاسی نخواهیم داشت.

یادداشت روز

خداحافظ مدرسه روستا

بهروز بنیادی – نماینده مردم شریف کاشمر، بردسکن و خلیل آباد

همه ما دلمان برای طراوت پاکی سادگی و زندگی در روستا بزودی تنگ خواهد شد. زندگی انسان با همه آفریده‌های الهی از گیاه و خاک و خورشید و حیوان در کجا مقدور خواهد بود اما همه اینها یکطرف نقش مدرسه و معلم روستا یکطرف. شاید تنها مکانی که پرچم سه رنگ و زیبای کشورمان در آن همیشه با دعای صبحگاهی فرزندان این مرز و بوم در اهتزاز است مدرسه است و حالا ما با حذف مدرسه روستا در حقیقت پرچم افراشته را به پایین می‌کشیم. مگر نه اینکه؛ آموزش و پرورش رایگان، جزء حقوق اولیه همه شهروندان به حساب می‌آید. برقراری این حق به شکل عادلانه از ضرورتهاست و البته همهٔ کارشناسان توجه کمّی و کیفی به آموزش و پرورش را لازمه توسعه و پیشرفت جوامع می‌دانند. امری که از گذشته تا حال به عنوان یک پدیده اجتماعی اثر گذار در تحقق اهداف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شناخته می‌شود.

بر همین اساس نظام‌های تعلیم و تربیت که در پی کارآمدی هستند، همهٔ تلاش خود را صرف پرورش شهروندانی توانمند می‌نمایند تا زمینه تعالی خود و جامعه را فراهم کنند. در این راستا عدالت آموزشی توسعه آموزش را در روستاها و عشایر، ضروری می‌نماید هرچند تعلیم و تربیت در این مناطق مشکلات و دشواری‌های فراوان دارد لکن صفا، صمیمیت و خلوص کودکان روستا و سخت کوشی و تلاش وافر آنان در کنار عشق و ایثار معلمان فداکار و دلسوزشان از این کودکان معصوم چهره‌های برجسته علمی و فرهنگی ساخته و ضمن دستیابی آنان به جایگاه‌های رفیع علمی برای میهن عزیزمان افتخار آفرینی نمودند. بنابراین توسعه کمی و کیفی آموزش و پرورش مناطق روستایی و عشایری را نه به عنوان هزینه بلکه به عنوان سرمایه گذاری نیروی انسانی بسیار ضروری است.

با این وجود شواهد نشان می‌دهد نه‌تنها کیفیت آموزش و پرورش برای دانش‌آموزان روستایی افزایش نیافته بلکه با بخشنامه‌های غیر کارشناسی وزارت آموزش و پرورش، امکان دستیابی به همان حداقل‌های آموزشی برای کودکان مناطق روستایی سخت‌تر از قبل شده است و این در حالی است که بسیاری از خانواده‌های روستانشین به زحمت هزینه تحصیل فرزندان خود را تامین می‌کنند و اگر مدارس روستا تعطیل شود، کمتر خانواده‌ای می‌تواند فرزندانش (بخصوص دختران) را برای تحصیل به شهرها یا روستاهای مجاور بفرستد و با وجود آنکه مدارس این روستاها خالی و بلااستفاده مانده آمار ترک تحصیل دانش آموزان روستایی افزایش یافته و این امر با اهداف انقلاب و نظام که در راستای حمایت از مردم محروم است، و هزینه گزافی برای ریشه کنی بیسوادی در سطح کشور انجام داده منافات دارد.

آیا این عادلانه است؛ در حالیکه هر روز خبر هوشمندسازی مدارس مناطق برخوردار به گوش می‌رسد، مدارس بدون امکانات اولیه در مناطق روستایی و محروم کشورتعطیل شود. این کار ضمن آنکه مغایر عدالت آموزشی و موجب ترک تحصیل دانش‌آموزان و افزایش جمعیت بازمانده از تحصیل در مناطق روستایی و محروم می‌شود، پیامدهای اجتماعی و هزینه‌های سنگین‌تری را بر جامعه تحمیل می‌کند. لازم است قوانین و بخشنامه‌های ابلاغی از وزارتخانه و سازمان‌های کشوری با دقت، نظارت و کارشناسی بیشتر طراحی و تصویب شوند.

آیا تعداد کم دانش‌آموزان دلیل موجهی برای محروم کردن آن‌ها از حق طبیعی شان است؟ چرا کودکان روستا را از لذت تحصیل محروم می‌کنیم و زمینه توسعه دانش و مهارتی که از راه تحصیل کسب و ذخیره می‌شود را از آن‌ها دریغ می‌نماییم، جای تاسف است در این مملکت کودکانی باشند که تنها خاطره حضور در یک یا چند پایه از مقطع ابتدایی را تا آخر عمرشان در ذهنشان مرور کنند.

قطعاً بی توجهی زمینه‌های آموزشی و پرورشی روستا می‌تواند مشکلات تربیتی، سطح پایین بهره‌وری، بیکاری، وابستگی به بیگانگان و ... را به دنبال داشته باشد.

امروز بلند فریاد میزنم قرار نیست روستاهایمان را تبدیل به شهر کنیم قرار نیست فرزندان روستا را از فرهنگ ناب آن جدا کنیم چرا مدرسه را تعطیل می‌کنید پرورش یافتگان روستا می‌توانند مدیران متدین انقلابی جهادی و خستگی ناپذیر آینده باشند اما وقتی که آن‌ها را به خوابگاههای شبه زندان در سنین پایین وارد کنیم ناخوداگاه چه ظلمی بر او روا میداریم به حاکمیت کشور هشدار می‌دهم با این شرایط بزودی شاهد مهاجرت بیشتر روستاییان به شهرها خواهیم بود و در طرف مقابل آن‌ها که نتوانند فرزندان خود را از تحصیل باز می‌دارند خاصه دختران روستا کما اینکه الان هم این معضل بروز کرده است

مدرسه روستا یعنی همه چیز روستا . معلم روستا یعنی همه مقامات کشور یعنی قوای سه گانه.

تحصیل سرویسی و خوابگاهی بدترین ظلم بر کودکان روستاست.

شما با مشورت با کدام مشاور و روانشناس و جامعه شناس دست به ساخت خوابگاه آنهم در شهر برای فرزند روستا کردید کاش حداقل در مراکز دهستانها تعبیه می‌شد تا بچه‌ها و والدین بتوانند شبها در آغوش هم بخواب روند.

شما با طبقه‌بندی مدارس در کشور تبعیض آموزشی را بجای عدالت آموزشی نهادینه کردید و از کودکی فرزند روستا فهمید که نخواهد توانست در این رقابت افسار گسیخته با شهرنشینان موفق شود.

عامل این فاجعه کیست؟

حضور کودکان ده ساله و بیشتر در خوابگاه‌هایی که از نظر فضا غیر استاندارد است از نظر بهداشت کودک ۱۰ و یازده ساله چگونه خواهد توانست حتی حمام نماید؟

تغذیه این دلبندانمان که افتضاح‌ترین است. شاهد دارم که به‌مدت یکماه صبح‌ها کودکانمان را فقط اندک پنیر و نانی داده اند. آخر چرا ؟

حداقل پز خوابگاه ندهیم و منت بر سر پدران و مادران روستا نگذاریم .چه بسیار کودکانی که به دلیل نیاز به محبت والدین دچار افسردگی، افت تحصیلی شدید وحتی فرار از مدرسه شده اند به‌هوش باشیم کشوری که منبع سرشار نفت و گاز هست هنوز نتوانسته هزینه خدمات آب و برق و گاز مدارس خود را رایگان کند واقعا هر جا عنوان کنیم ما را به سخره خواهند گرفت. بابای مدرسه را از محیط مدرسه گرفتند و بجای او افرادی وارد شدند در سنین بالا و با عدم توان بدنی مناسب اخر چرا؟ جالبتر اینکه در سیستم آموزش پرورش ما استخدامی بالای ۵۰ سالگی داریم و امروز بدلیل بیماریهای متعدد قادر به هیچ خدمتی نیستند و قس علی هذا ...

به‌دلیل نبود معلم ابتدایی و متوسطه کافی اول جایی که به ذهنمان رسید تعطیلی مدارس روستا بود چون مردمان روستا همیشه زمانه، آرام و متین و صبور هستند و در حکومتهای گذشته مورد ظلم بوده اند اما در نظام ما تبعیض پذیرفته نیست . دولت با پرداخت اضافه کار مناسب براحتی خواهد توانست با همین نیروی انسانی به روستاها هم خدمات بدهد اما بجای آن استمرار کار نیروی بازنشسته خود را صادر میکند تا از زیر پرداخت پاداش خدمتش چند سالی در برود و او حاضر نیست به روستا برود. از وزیر محترم میخواهم مدیران کل استانی خود را به جد زیر نظر بگیرد زیرا اکثر آنان بجای مدیر کل استان فقط مدیر کل مرکز استان هستند پس نخواهند توانست عدالت آموزشی را اجرایی کنند و سند تحول بنیادین را به ثمر برسانند. باید سرانه دانش آموزی کشور هر ساله در ردیف بودجه مستقل پیش بینی شود تا دغدغه خدمات مدارس توان مدیر مدرسه را نگیرد. نمونه آن تخصیص ۲۷ درصد مالیات بر ارزش افزوده به امر ورزش و جوانان و ورزش مدارس بود. اما نمایندگان محترم مبالغ تخصیصی به حوزه‌های خود را مطالبه کنند. به عنوان مثال در سه شهرستان ما با حدود ۴۰۰۰۰۰ نفر جمعیت و ۲۰۰ روستا از نزدیک به ۴۰ میلیارد سهم استان خراسان رضوی فقط ۲۰۰ میلیون گذاشته شده و دو سوم مبلغ به مرکز داده شد وای از بی عدالتی وای از سوء مدیریت، فغان از بی کفایتی بعضی افراد. وزیر آینده آموزش پرورش به فکر فرزندان روستا خاصه دختران باشد. تا دیر نشده فکری اساسی نمایید.